

دکتر گری میدورز، اول قرن‌تیان، سخنرانی ۳، چگونه کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد. سه سطح از تعلیم کتاب مقدس. بخش ۱

گری میدورز و تد هیلبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تیان است. این سخنرانی سوم با عنوان «چگونه کتاب مقدس به ما می‌آموزد» است. سه سطح از آموزش کتاب مقدس، بخش اول

خب، با درود و خوش آمدید به سومین ویدیوی ما در مورد اول قرن‌تیان

ما هنوز درگیر انجام برخی امور مقدماتی هستیم. در دو ویدیوی اول خود، در مورد آگاهی از ترجمه‌های کتاب مقدس موجود، به ویژه در این مجموعه به زبان انگلیسی، و اینکه چگونه می‌توانید در مطالعه کتاب مقدس خود از انواع کتاب مقدس بهترین استفاده را ببرید، بحث کردیم. من اطمینان دارم که شما در مورد این موضوع فکر کرده‌اید و به نوعی این تفاوت بین معادل رسمی و پویای ترجمه‌ها و اینکه چگونه می‌توانید از مجموعه‌ای از ترجمه‌ها در آن پیوستار برای انجام بهتر توضیح کتاب مقدس، یادگیری خودتان در مورد ترجمه و توانایی کمک به سایر مسیحیانی که گاهی اوقات با آنچه کتاب مقدس می‌گوید و دلیل تفاوت کتاب مقدس‌ها مشکل دارند، استفاده کنید، در ذهن شما شکل گرفته است.

فکر می‌کنم از آنچه در دو سخنرانی اولمان در موردش صحبت کردیم، شما باید بتوانید راه خود را برای درک بهتر آن باز کنید و بتوانید آن را برای دیگران توضیح دهید. حال، نکته‌ی دیگری که می‌خواهم در این مقدمه انجام دهم، همانطور که برای پرداختن به متن اول قرن‌تیان آماده می‌شویم، صحبت در مورد چگونگی تعلیمات کتاب مقدس به ماست. ما زمان زیادی را صرف فکر کردن در مورد آنچه کتاب مقدس به ما می‌آموزد می‌کنیم، اما من می‌خواهم کمی در مورد چگونگی تعلیمات کتاب مقدس به ما فکر کنم.

من این کار را در عرصه‌های مختلفی انجام داده‌ام، و جزوه من برای موقعیت خاصی تهیه شده است، که دقیقاً مقدمه اول قرن‌تیان نیست، اما فکر می‌کنم با پیشرفت در این مسیر بسیار مرتبط خواهد بود. و من آن را «کتاب مقدس چگونه به ما می‌آموزد؟» سه سطح از آموزه‌های کتاب مقدس می‌نامم. و ما این موضوع را در جزوه، یا همانطور که در عنوان فرعی آمده است، به عنوان مقدمه‌ای برای درک تفاوت‌های الهیاتی که در کلیسا ایجاد می‌شود، بررسی خواهیم کرد.

اولین باری که این سخنرانی را به این شکل ارائه دادم، با اینکه این موارد را به صورت جداگانه و به روش‌های مختلف تدریس می‌کردم، در شرایطی بود که مسیحیان سعی داشتند با اختلاف نظر در نظرات الهیاتی کنار بیایند. و این می‌تواند بسیار ناپایدار باشد، به خصوص وقتی که یک سازمان مدت زیادی به چیزی متعهد بوده است، و با گذشت زمان، شاید ما درک بهتری از کتاب مقدس داشته باشیم، و این شروع به چالش کشیدن می‌کند. و بنابراین، مسیحیان دائماً تحت این استرس هستند که تصمیم بگیرند چرا نظرات متفاوتی داریم. و فکر می‌کنم امروز می‌توانم یک الگو به شما ارائه دهم، و جزوه‌ای که دارید، که فایل شماره ۳ است، جزوه‌ای که دارید به طور کامل بیان شده است، و شما قادر خواهید بود از طریق آن کار کنید و به نوعی، آگاهی برسید که استفاده از کتاب مقدس در گفتگو با دیگران، به ویژه کسانی که با آنها اختلاف نظر دارید، به چه معناست.

من فکر می‌کنم این می‌تواند بسیاری از نوسانات آن مکالمه را از بین ببرد و آن را بر اساس آنچه کتاب مقدس واقعاً می‌گوید و نحوه‌ی کاربرد آن برای ما قرار دهد. حال، بیایید در مورد این فکر کنیم. یکی از جنبه‌های

جذاب سفر مسیحی ما این است که مشاهده کنیم چه تعداد اظهارات مختلف و تفاسیر بسیار متفاوتی را می‌توان از یک متن کتاب مقدس ارائه داد.

لازم نیست خیلی عمر کنید تا با این موضوع روبرو شوید. در دهه‌های اخیر، اول تیموتائوس ۲:۱۲، جایی که پولس در مورد مسئله زنان و تعلیم صحبت می‌کند، متنی بسیار ناپایدار بوده است. شما چه برداشتی از این موضوع دارید؟ و می‌دانید که اگر در مورد سؤال اول تیموتائوس ۲:۱۲، حتی ۱۲:۲-۱۵ تحقیق کرده باشید، می‌توانید خیلی سریع تعدادی از دیدگاه‌ها و مواضع را در مورد معنای آن متن بازیابی کنید.

خب، کدام یک درست است؟ یا نظر شما در مورد نقش هدایای معجزه‌آسا امروزه چیست؟ مطمئنم که در مخاطبی مانند آموزش الکترونیکی کتاب مقدس، ما دیدگاه‌های متنوعی در مورد عبارات کاریزماتیک موجود در کتاب اول قرن‌تین داریم و بعداً در مورد آن صحبت خواهیم کرد. خب، چگونه تشخیص می‌دهید کدام یک از این‌ها دقیق‌ترین موضع است؟ فکر می‌کنم بستگی به این دارد که از چه کسی می‌پرسید، یا شاید چه کتابی می‌خوانید. شاید کتابی بخوانید که واقعاً شما را جذب کند و بسیار متقاعدکننده به نظر برسد و بگویید، آه، این دیدگاهی است که من اتخاذ خواهم کرد.

و سپس کتاب دیگری را برمی‌دارید، و آن هم به همان اندازه در جهتی متفاوت قانع‌کننده است. چگونه با این نوع تضادها و ادعاها کنار می‌آید؟ این چیزی است که می‌خواهم در موردش صحبت کنم. واقعیت این تنوع چشم‌اندازی از چیز دیگری را در رابطه با چگونگی خلقت جهان توسط خداوند و جایگاه ما در آن جهان، باز می‌کند.

وجود این تنوع به این معنی نیست که همه دیدگاه‌ها به یک اندازه معتبر هستند. ما نمی‌خواهیم به این سمت برویم. این واقعیت که ما دیدگاه‌ها و تفاسیر متعددی از متن داریم به این معنی نیست که دست‌هایمان را بالا ببریم و بگوییم، خب، هر کدام را که بیشتر تحت تأثیر قرار داد، انتخاب کنیم.

زیرا در نهایت، در بیشتر متون، شاید نه همه، اما در بیشتر متون، دیدگاهی وجود خواهد داشت که از همه قانع‌کننده‌تر است. اما چگونه به آن می‌رسید، و اگر شخص دیگری احساس کند دیدگاه دیگری قانع‌کننده‌تر است، چه می‌کنید؟ ما این تنش مداوم را داریم که کدام دیدگاه بهترین انتخاب است. این تنوع نشان می‌دهد که در طول تاریخ کتاب مقدس، مشاهده کرده‌ایم که کتاب مقدس در معرض خوانش‌های بسیاری قرار دارد.

این تقریباً بلافاصله صادق بود. حتی در کتاب اعمال رسولان، شاهد برخی اختلافات بین خادمان مسیحی هستیم که این موضوع را آشکار می‌کند. بنابراین، در نتیجه، می‌خواهیم در مورد چگونگی کنار آمدن با نظرات مختلف در مورد آیات صحبت کنیم و می‌خواهیم الگویی برای کمک به انجام این کار به شما ارائه دهیم.

حال، این تنوع نظرات طیف وسیعی را پوشش می‌دهد. آن‌ها می‌توانند به اندازه ساختارهای مذهبی اصلی، جدی باشند. یهودیت، مسیحیت، در ایالات متحده، آنچه ما مورمون‌یسم می‌نامیم، و ادونتیسم هفت روزه، ساختارهای نسبتاً مهمی در رابطه با دیدگاه‌های مذهبی خاص هستند.

و البته، شما در جهان امروز با مسئله قرآن و اسلام روبرو هستید که خارج از طیف ماست زیرا ما در مورد تفسیر خود کتاب مقدس صحبت می‌کنیم. ما فرقه‌های مختلفی داریم، روش‌های مختلفی برای غسل تعمید، دیدگاه‌های متنوعی در مورد نقش زنان در خدمت. ما دیدگاه‌های متنوعی در مورد آخرالزمان داریم، که همان چیزی است که ما آن را آخرالزمان می‌نامیم.

عیسی چه زمانی خواهد آمد؟ عیسی چگونه تاریخ زمین را به پایان خواهد رساند؟ همه از یک متن استفاده می‌کنند و در مورد معانی آن متون اظهارات متفاوتی دارند. این یک واقعیت است. اگر به هر کتابخانه‌ای بروید و ده کتاب در مورد یک موضوع که توسط افرادی که در نوشتن در آن موضوعات صلاحیت دارند نوشته شده است، پیدا کنید، یک نظر واحد پیدا نخواهید کرد.

شما با دیدگاه‌های متنوعی روبرو خواهید شد. خواهید دید که همه آنها متن یکسانی از کتاب مقدس را مطالعه می‌کنند، اما به نتایج متفاوتی در مورد آن متون می‌رسند. آیا این، کتاب مقدس را به ورطه نسبیت می‌اندازد؟ خیر.

کاری که این [متن] انجام می‌دهد این است که این واقعیت را نشان می‌دهد که خداوند یک کتاب مقدس به ما داده است، و ما مفسران بسیار بسیار متفاوتی داریم. ما یک متن الهام گرفته از کتاب مقدس و یک متن معتبر از کتاب مقدس داریم، اما خود را با مفسران غیر الهام گرفته از کتاب مقدس بسیاری می‌یابیم که به نظرات متفاوتی می‌رسند. این بخشی از جهان‌بینی مسیحی است که باید این واقعیت را ببینیم و درک کنیم که حتی در کلیسای که توسط آنچه ما آن را وجوه مشترک ارتدوکس در مورد خدا، مسیح و مرجعیت کتاب مقدس می‌نامیم، متحد شده است، اختلافاتی وجود دارد.

بنابراین، همه ما باید روی این موضوع کار کنیم. و در کتابی مانند اول قرن‌تین، خواهیم دید که مطمئناً رویکردهای بسیار متفاوتی به متن وجود دارد. حال، جای تعجب نیست که کلیسا با دیدن این تنوع عظیم تفاسیر، از نظر خواندن و استفاده از کتاب مقدس در شرایط سختی قرار گرفته است.

حالا، بیایید کمی بیشتر در مورد صفحه ۹، که صفحه دوم این جزوه خاص است، فکر کنیم. به جای اینکه فقط در تنوع یا سردرگمی آن غرق شویم، فکر می‌کنم راه بهتری وجود دارد. و می‌خواهم در مورد چند نکته صحبت کنم.

اول از همه، می‌خواهم در مورد جایگاه کتاب مقدس و خوانندگان آن صحبت کنم. وقتی از کتاب مقدس به عنوان منبع دانش استفاده می‌کنیم و در مورد آموزه‌های آن ادعاهایی مطرح می‌کنیم، با رشته‌ای به نام معرفت‌شناسی سروکار داریم. حالا، از این کلمه‌ی بزرگ نترسید.

این بخشی از حوزه فلسفه است. معرفت‌شناسی صرفاً به این معنی است که ما چه می‌دانیم و چگونه آن را می‌دانیم. و این یک روش بسیار کاربردی برای بیان آن است، اما نکته اصلی همین است.

ما به موضوع معرفت‌شناسی می‌پردازیم. از نظر فنی، معرفت‌شناسی به منابع دانش ما، ماهیت دانش ما و چگونگی اعتبارسنجی دانشی که ادعا می‌کنیم مربوط می‌شود. حال، همانطور که به این موضوع فکر می‌کنیم، این واقعیت که ما یک متن الهام‌بخش داریم و در عین حال مفسران غیرالهام‌بخش و تفاسیر آنها بسیارند، گواه این است که تنوع زیاد دیدگاه‌هایی که وجود دارد، به نوعی مدیون نحوه عملکرد جهان توسط خداوند است.

خداوند یک مفسر الهام گرفته مرکزی برای کتاب مقدس به ما نداده است که همه مجبور باشند به او مراجعه کنند. شاید در تاریخ کلیسا مدل‌های کوچک‌تری وجود داشته باشد که این اتفاقات در آنها رخ می‌دهد، اما این روشی نیست که کتاب مقدس آن را ارائه می‌دهد. ما این تنوع را داریم، بنابراین این واقعیت که ما یک کتاب مقدس الهام گرفته شده داریم و تفاسیر زیادی از آن داریم، باید در جهان‌بینی مسیحی خود از آن عبور کنیم و با این واقعیت کنار بیاییم که به نوعی، این جهان، جهان خدا را منعکس می‌کند.

یک کتاب مقدس، یک خدای و با این حال ما هرگز در مورد تمام آموزه‌های کتاب مقدس به وحدت مطلق نرسیده‌ایم. ما یک هسته وحدت خوب داریم که ما را در کنار هم نگه می‌دارد، اما پس از آن تنوع زیادی داریم. حال، برخی ممکن است ادعا کنند که روح القدس برگ برنده در دانستن آنچه یک متن تعلیم می‌دهد است.

وقتی به اول قرن‌تین ۲ رسیدیم، کمی بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد، اما نقش روح القدس این نیست که معنای محتوایی کتاب مقدس را به شما منتقل کند. نقش روح القدس این است که شما را متقاعد کند که کتاب مقدس ضروری و معتبر است و شما باید در مورد بررسی معنای متن بسیار جدی باشید. نقش روح القدس، نقش متقاعد کردن است.

در واقع، این اصطلاحی است که در مطالعه کتاب مقدس در رابطه با این مسائل استفاده می‌شود. این مفهوم اعتقاد راسخ است، نه مفهوم محتوا. ما به تصویر خدا آفریده شده‌ایم و مسئول مطالعه کتاب مقدس و رسیدن به نتیجه‌گیری در مورد معنای آن هستیم.

و اگرچه ما این تنوع نتیجه‌گیری‌ها را داریم، باید با نتیجه‌گیری‌هایی که در وحدت درک می‌کنیم، حتی با دیگران که ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند، زیر آن چتر بزرگی که قابل قبول است و ما آن را ارتدکسی می‌نامیم، زندگی کنیم. حال، همانطور که اشاره کردم، چون ما این تنوع تفسیرها را داریم، و با این حال این کتاب مقدس واحد را داریم که توسط مردم به طور متفاوت خوانده می‌شود، آیا این بدان معناست که ما محکوم به نسبی‌گرایی در تفسیر هستیم؟ اینکه هر چیزی اشکالی ندارد. این عبارت در فرهنگ، فرهنگی که من در چند سال گذشته در آن زندگی کرده‌ام، به هر نامی که هست، استفاده شده است.

مردم وقتی وارد یک بحث جنجالی می‌شوند، دستشان را بالا می‌برند و هر چه می‌خواهند می‌گویند، که این به نوعی عبارت «توجیهی» برای طفره رفتن از بحث در مورد سوال تبدیل می‌شود. نه، ما وقتی صحبت از تفسیر کتاب مقدس می‌شود، دستمان را بالا نمی‌بریم و هر چه می‌خواهیم نمی‌گوییم. ما تحقیق می‌کنیم.

ما سعی می‌کنیم بهترین استدلال‌هایی را که یک دیدگاه خاص ادعا می‌کند، کشف کنیم و آن استدلال‌ها را با استدلال‌های دیگر مقایسه کنیم تا بتوانیم از میان تفاسیر متنوع، به چیزی برسیم که به عنوان یک پیوستار از تفاسیر در یک طیف مناسب می‌بینیم و سپس ممکن است در مورد یکی از آنها انتخاب کنیم، گاهی اوقات ممکن است تصمیم بگیریم که با تنوعی از تفاسیر زندگی کنیم. بنابراین، خداوند به نوعی این تنوع را مقدر کرده است زیرا وجود دارد. خداوند کلام را به ما داده است.

خداوند ما را به تصویر خود آفرید، و من فکر می‌کنم که به عنوان حاملان این تصویر، ما با ریسک کردن مبارزه کردن و وظیفه‌ی آشکار کردن کلام خدا برای امروزمان، خدا را جلال می‌دهیم. کلام خدا، از نظر کتاب مقدس، ثابت است. این یک هدف متحرک نیست.

با گذر نسل‌های بعدی، خود به خود توسعه نمی‌یابد. ممکن است برخی باشند که هر از گاهی با کتاب مقدس به این شیوه برخورد کنند، و هر نسل از کلیسا باید چرخ را از نو اختراع کند. من کتاب مقدس را اینگونه نمی‌بینم.

من خودمان را در حال چالش درک معنای آن و پرداختن به این پرسش‌ها می‌بینم که چگونه آن را به بستر زمانی و مکانی خود منتقل کنیم تا بتوانیم بگوییم که در شرایط فعلی ما چه معنایی دارد. بنابراین، خداوند مقدر کرده است که این تنوع را مجاز بدانیم و دخالت نکنیم. و من فکر می‌کنم راز این است که، به یک معنا، این بار قبل از اوج تاریخ، خداوند از ما انتظار دارد که به عنوان حاملان تصویر، مسئولیت بپذیریم.

ما آفریده شده‌ایم تا فکر کنیم، انتخاب کنیم، و در یک جامعه زندگی کنیم، و او می‌خواهد که ما به طور جدی در این امور مشارکت کنیم و این کار را به گونه‌ای انجام دهیم که او را جلال دهد. حال، بیایید به موضوع اصلی روز برسیم، و این همان چیزی است که کتاب مقدس به ما می‌آموزد. من الگویی دارم که در طول سال‌ها آن را توسعه داده‌ام.

این الگو در واقع در یک موقعیت جالب، توسط یکی از دوستانم که اسمش را نمی‌گویم، اما یک رهبر مسیحی بسیار شناخته‌شده است، به ذهنم رسید. او در استرالیا سخنرانی می‌کرد و بعد از سخنرانی‌اش، یک محقق کتاب مقدس که نمی‌توانم او را شناسایی کنم، واقعاً مطمئن نیستم چه کسی بود چون دوستم در آن زمان او را نمی‌شناخت، اما آن محقق کتاب مقدس بعد از سخنرانی‌اش پیش او آمد و گفت: آیا تدریس شما تدریس مستقیم کتاب مقدس است، تدریس ضمنی کتاب مقدس است، یا یک ساختار خلاقانه است که از کتاب مقدس سرهم کرده‌اید؟ خب، اینها سه سطح تفکر هستند - تدریس مستقیم، که می‌توانید آن را از یک زمینه اثبات کنید.

تعلیم ضمنی چیزی است که بسیاری از زمینه‌ها ما را به آن سوق می‌دهند اما مستقیماً بیان نمی‌کنند. ما ساختارهای خلاقانه و سیستم‌های بزرگی را کنار هم قرار داده‌ایم تا ادعا کنیم که این بهترین راه برای درک کتاب مقدس است. حال، سعی می‌کنم هر یک از این دسته‌ها را کمی بیشتر در ادامه توضیح دهم، اما می‌خواهم شما آنها را به خوبی درک کنید.

ساختار مستقیم، ضمنی و خلاقانه. دوستم داشت درباره دیدگاه کتاب مقدس درباره چیزی صحبت می‌کرد، اما این موضوع باعث شد که او به این فکر کند که این موضوع دقیقاً چگونه دیدگاهی کتاب مقدسی است. نه اینکه چه چیزی بود، بلکه اینکه چگونه بود و چگونه به خود کتاب مقدس مربوط می‌شود.

من معتقدم یک الگو وجود دارد، و این الگو، الگوی ساختار مستقیم، ضمنی و خلاقانه است که می‌تواند به ما کمک کند تا در مورد چگونگی درک و برخورد با وحدت و تنوع تفسیری که همه ما تجربه می‌کنیم، تأمل کنیم. من آن را سه سطح از چگونگی دیدگاه کتاب مقدس، چگونگی آموزش کتاب مقدس می‌نامم.

من آن تصویر کوچک را که عملاً هیچ محتوایی نداشت، برداشتم و در طول سال‌ها، خیلی در مورد آن فکر کردم و آن را به مدلی که با شما به اشتراک می‌گذارم، تبدیل کردم. من اینجا در اتاق مطالعه خانگی‌ام نشسته‌ام که پشت سرم کتاب‌های متنوعی قرار دارد. من یک دفتر کار بسیار ساده در فلوریدا دارم.

من یک کتابخانه دانشگاهی بسیار بزرگ داشتم که در واقع وقتی بازنشسته شدم به هوستون، تگزاس، به کتابخانه الهیات لانیر منتقل شد. می‌توانید آن را به صورت آنلاین جستجو کنید، لانیر، کتابخانه الهیات لانیر. لانیر یک وکیل موفق است که یک کتابخانه مسیحی، یک کتابخانه مطالعات کتاب مقدس در هوستون ایجاد کرده و درها را برای افرادی که می‌آیند و مطالعه و تحقیق می‌کنند، باز کرده است و تا به امروز ده‌ها هزار کتاب در آن کتابخانه جمع‌آوری کرده است.

خب، کتاب‌های من بیش از هزار مایل از جایی که الان هستم فاصله دارند، که از بعضی جهات مانع من می‌شود چون فکر می‌کنم، اوه، می‌خواهم این کتابی را که قبلاً یک بار خوانده‌ام، دوباره بخوانم. اما من به اندازه کافی کتاب برای کارهایی که در دفترم اینجا انجام می‌دهم، جمع‌آوری کرده‌ام تا بتوانم از پشش بریایم خب، کتاب‌ها مهم هستند، و وقتی به مقدمه رسمی کتاب اول قرن‌تین برسیم، شش تفسیر خوب به شما معرفی خواهم کرد.

من قبلاً به آنها اشاره کرده‌ام، و کمی بیشتر در مورد آنها خواهم گفت. آنها می‌توانند چیزی باشند که مطالعه شما از کتاب مقدس را افزایش دهند، اما همه آنها با هم موافق نخواهند بود. بسیار خوب.

شما باید مطالب را بررسی کنید و در مورد چگونگی تطبیق آنها با آموزه‌های کتاب مقدس قضاوت کنید. بنابراین، مطالعه مسیحیت چنان گسترده و پیچیده است که به حوزه‌های مطالعاتی متعددی نیاز دارد، بنابراین، درست قبل از اینکه در مورد ساختارهای مستقیم، ضمنی و اخلاقانه صحبت کنم، در صفحه 10 می‌خواهم آنچه را که ما دایره‌المعارف الهیات می‌نامیم، ببینید.

لطفاً به صفحه ۱۰ مراجعه کنید و به نمودار موجود در آن نگاه کنید. این هرم قصد دارد رشته‌های مختلفی را که در مطالعه کتاب مقدس و عملکرد کلیسا نقش دارند، برای شما نشان دهد. این هرم عمداً به این شکل است زیرا هرم‌ها در بالا به یک نقطه اوج می‌رسند و می‌توانید ببینید که نقطه اوج دایره‌المعارف الهیات ما، الهیات خدمتی، و انجام الهیات در چارچوب خدمت است.

هر کاری که ما انجام می‌دهیم، چه عبری و آرامی و یونانی مطالعه کنیم، چه عهد عتیق باشیم و چه عهد جدید، چه با الهیات فلسفی، الهیات سیستماتیک، الهیات تاریخی، الهیات کتاب مقدسی سر و کار داشته باشیم، هر رشته‌ای که یک فرد مطالعه می‌کند، در نهایت قرار است به اعلام وجود خدا، مسیح و روح القدس در جهان کمک کند. و البته همه اینها از پایه این هرم، که خود کتاب مقدس است، می‌آید. متوجه خواهید شد که پایه من در اینجا با تفسیر شروع می‌شود.

می‌توانم عمیق‌تر به مبانی پردازم و در مورد تعیین اینکه کتاب مقدس چیست صحبت کنم. ما در مورد کتاب مقدس و نقد متنی و چیزهایی از این قبیل صحبت می‌کنیم، اما برای مثال حاضر، شروع به فرض نتیجه آن می‌کنیم و با تفسیر شروع می‌کنیم، که به معنای بیرون کشیدن معنا از متن است. حال، این نمودار عباراتی را در زیر خود دارد که بسیار مهم و بسیار مختصر هستند.

برای مثال، تفسیر، توانایی قضاوت‌های منطقی در مورد متن کتاب مقدس است. حتی قبل از تفسیر، نقد متنی وجود دارد که متن مورد مطالعه را مشخص می‌کند. بنابراین، تفسیر به بخش‌های کوچک و جزئی متن نگاه می‌کند.

زبان در فرآیند تفسیر بسیار مهم می‌شود. مرحله بعدی، به عبارت دیگر، و هیچ ترتیب تقدیس‌شده‌ای از این جنبه‌های پایین‌تر وجود ندارد، اما فکر می‌کنم در اینجا یک ترتیب منطقی دارم، چیزی است که به عنوان الهیات کتاب مقدس شناخته می‌شود. الهیات کتاب مقدس مدل‌های ساختاری و مفهومی را ارائه می‌دهد که تفسیر در چارچوب آنها عمل می‌کند.

الهیات کتاب مقدس به پیدایش به عنوان آنچه که پیدایش است نگاه می‌کند، نه به عنوان مثال به عنوان آنچه که ما می‌خواهیم باشد. به روایت نگاه می‌کند. روایت ابراهیم چیست؟ روایت ابراهیم چه چیزی به ما می‌آموزد؟ بعداً، روایت داوود چیست؟ روایت داوود چه چیزی به ما می‌آموزد؟ به بخش‌های بزرگ نگاه می‌کند.

این کتاب به آن در بستر تاریخی و فرهنگی که در آن اتفاق افتاده است، نگاه می‌کند. معنای شخصی بودن در عهد عتیق چه بود؟ پیامبر بودن در دوران تبعید چه بود؟ وقتی یحیی تعمید دهنده به جهان آمد و شروع به موعظه کرد، چه معنایی داشت؟ پس از آن قرن‌ها، از پایان ملاکی در عهد عتیق تا زمان یحیی تعمید دهنده چه زمینه‌ای وجود داشت؟ هیچ وحی آشکاری وجود نداشت، و در نتیجه، وقتی او پا به عرصه گذاشت، چه معنایی داشت؟ او از برخی جهات فرد عجیبی بود. خب، فایده این حرف چیست؟ او با مردم در جایی که عهد عتیق آن را سرزمین شیر و عسل می‌نامید، صحبت کرد.

خب، این چه معنایی داشت؟ چرا آنجا سرزمین شیر و عسل بود؟ به عبارت دیگر، پرداختن به پیشینه‌های تاریخی و قراردادهای چگونگی ارتباط مردم در زمان و مکان، الهیات کتاب مقدسی است. الهیات کتاب مقدسی فقط این نیست که مقولات الهیات سیستماتیک را در نظر بگیریم و به عقب برگردیم و مطالعات موضوعی کتاب مقدس را در مورد موضوعات سیستماتیک ایجاد کنیم و آنها را الهیات کتاب مقدسی بنامیم. این معنای الهیات کتاب مقدسی نیست.

الهیات کتاب مقدسی تلاش می‌کند کتاب مقدس را در بافت اصلی آن بفهمد، بدون اینکه یک ساختار غربی بسیار بسیار متأخر از الهیات سیستماتیک را به متن تحمیل کند. بنابراین، شما در حال مطالعه کتاب مقدس در همان ابتدای ارائه آن به ما هستید. الهیات تاریخی بسیار مهم است و فکر می‌کنم در این مرحله از دایره‌المعارف مطرح می‌شود.

ما باید بفهمیم که کلیسا، به ویژه در قرون اولیه، به ویژه در پنج قرن اول کلیسای مسیحی، چگونه توسعه یافت و چگونه به آنچه در شهادت کتاب مقدس می‌بینیم، نگاه می‌کرد. حال، اجازه دهید این نکته را کاملاً روشن کنم که هر چقدر هم که پدران کلیسا مهم باشند، حرف آخر را در مورد معنای کتاب مقدس نمی‌زنند. آنها درست مانند ما با مسئله تفسیر برخورد می‌کردند.

از برخی جهات، ما اطلاعات بسیار بیشتری در مورد کتاب مقدس، زمینه آن و معنای آن نسبت به آنها داریم، حتی با اینکه آنها به کتاب مقدس نزدیکتر زندگی می‌کردند. آنها در زمان و مکان و فرهنگی زندگی می‌کردند که گاهی اوقات، به ویژه از عهد عتیق، دور بود. و بنابراین، ما الهیات تاریخی و سپس الهیات سیستماتیک داریم.

این یک کلیسا یا سنت است که آموزه‌های خود را بر اساس مدل مفهومی مشتق شده از آن، مورد توجه و تأمل قرار می‌دهد. الهیات سیستماتیک. من قبلاً یک دیوار کامل از مجموعه‌های الهیات سیستماتیک داشتم.

من تعدادی داشتم که کالوینیست و اصلاح‌طلب بودند. تعدادی هم داشتم که آرمینین بودند. من مجموعه‌های الهیات تجدید نظر شده توسط افراد مختلف را داشتم.

به عبارت دیگر، من انواع الهیات سیستماتیک را داشتم که می‌توانستم آنها را مقایسه کنم، و آنها از نظر ساختارهای کلی و کلان آنچه کتاب مقدس تعلیم می‌دهد با یکدیگر موافق نبودند. حال، همه آنها در مورد مسئله ارتدوکسی با هم اتفاق نظر داشتند. همه آنها در مورد مسائل مسیح‌شناسی با هم موافق بودند.

اما وقتی صحبت از جزئیات تفسیر کتاب مقدس می‌شود، آنها همیشه موافق نیستند. اما آنها درک خود از کتاب مقدس را به تأمل و تفکر می‌کشاند، همانطور که الهیات وسلی درک آنها از کتاب مقدس را به تأمل و تفکر می‌کشاند. الهیات کوئیکر درک آنها از نحوه عملکرد جهان مسیحیت را به تأمل و تفکر می‌کشاند.

یک متکلم اصلاح‌شده، درک خود را در کانون توجه قرار می‌دهد. و بین این تفاوت‌ها تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد. وظیفه ما، البته، درک آنها و ترکیب و تصمیم‌گیری در مورد چگونگی پیشرفت است.

الهیات فلسفی وجود دارد. حال، این یکی را می‌توان در مقابل الهیات سیستماتیک قرار داد، اما من آن را اینجا دارم. این ارزیابی الهیات و ادغام آن با کشمکش‌های خلقت است.

پرداختن به برخی از مسائل بسیار بسیار مهم زمانه‌ی ما، به الهیات فلسفی نیاز دارد. مسئله‌ی جنسیت، مسئله‌ی تراجنسیتی، مسائل مربوط به زن و مرد، مسائل جهان‌بینی. من به معرفت‌شناسی اشاره کردم.

همه اینها از نظر تمرکز بر آموزه‌های کتاب مقدس به شکلی کلان و گسترده بسیار مهم است. و اما الهیات دفاعیه. الهیات دفاعیه، این نتایجی را که به آنها می‌رسیم اعلام می‌کند و از آنها دفاع می‌کند.

این دفاع الهیات از چارچوب مفهومی‌اش است. و در واقع، شاید حتی بتوانم این را اضافه کنم، شاید این را اصلاح کنم، بیانیه الهیات و دفاع از چارچوب مفهومی‌اش. الهیات دفاعی بسیار مهم است.

و بعد الهیات خدمتی را داریم، جایی که این ساختار عظیم را در نظر می‌گیریم، و در هر یک از این چارچوب‌ها یک حرفه وجود دارد. ما سعی می‌کنیم روی این موضوع تمرکز کنیم که این برای کلیسا و خدمت کلیسا به جهان چه معنایی دارد. پسر، این یک وظیفه بسیار بزرگ است، اینطور نیست؟ آیا ما از عهده چنین وظیفه‌ای برمی‌آییم؟ خب، نه، ما نیستیم.

نه، ما اینطور نیستیم. اما به عنوان یک جامعه، می‌توانیم اینطور باشیم. و من فکر می‌کنم این چیزی است که کلیسا باید به طور جدی در مورد آن تأمل کند.

کلیسا چگونه می‌تواند خود را به گونه‌ای قالب‌بندی کند که به جای صرفاً یک امر منفرد، به یک جامعه‌ی علمی تبدیل شود؟ امروزه بسیاری از اوقات، ما الهیات خدمتی نداریم. ما عملکرد خدمتی داریم. کلیسا باید بر اساس یک مدل نظری که به کتاب مقدس گره خورده است، عمل کند، که به نظم و ترتیب ما تبدیل می‌شود. این نکته‌ی اصلی است.

و شما که قرار است به سخنرانی‌ها گوش دهید و از کتاب مقدس بیاموزید، افرادی هستید که قرار است آن را به جهان عرضه کنید. خودتان را تا جایی که می‌توانید آماده کنید. حال، این دایره‌المعارف قرار نیست از هم جدا شود.

من از کلمه «دوشاخه» استفاده می‌کنم. شاید این کلمه برای شما جدید باشد، اما من این کلمه را دوست دارم. دوشاخه کردن چیزی به معنای جدا کردن آن است.

بی «به معنی جدا کردن آن از هم است. این دایره‌المعارف قرار نیست به دو بخش تقسیم شود. قرار است» یکپارچه شود.

اگر می‌خواستم یک ارائه پاورپوینت شیک برای شما داشته باشم، این هرم را به یک فواره آب تبدیل می‌کردم و در پایین آن استخر آب قرار می‌گرفت. آب در کل هرم پمپ می‌شد و سپس به صورت یک فواره روی آن جاری می‌شد، از تمام طبقات پایین می‌چکید و دوباره پمپ می‌شد.

این چرخه‌ای است. دایره‌المعارف الهیات قرار نیست اینجا، اینجا و اینجا باشد، بلکه قرار است یکپارچه باشد تا هر کدام به دیگری اطلاعات بدهد و ما در زمینه‌های ضعف خود که ممکن است دیگری در آن قوی باشد، به یکدیگر چشم داشته باشیم و از یکدیگر کمک بگیریم. به یک معنا، یک کتابخانه خوب برای یک متخصص خدمت، جنبه‌هایی از همه دایره‌المعارف‌ها را در خود جای داده است تا در مواقع ضروری به شما آموزش دهد تا بتوانید همین نوع اطلاعات را بیاموزید و ادغام کنید.

بله، این طاقت‌فرسا است. من کاملاً تحت فشار هستم. سال‌هاست که این کار را انجام می‌دهم، اما با این حال در رابطه با وظیفه نمایندگی خدا بر روی زمین و انتقال‌دهنده و مدافع کلامی که او به ما داده است، احساس می‌کنم یک کوتوله هستم.

این یک کار شریف است، و کاری است که باید خیلی جدی بگیریم. خوب، این دایره‌المعارف است که باید با آن آشنا شویم. به نوشته‌ی پرننگ پایین صفحه‌ی ۱۰ در آن پاراگراف کوچک، تقریباً از سطر سوم به بعد توجه کنید.

من این نظر را می‌دهم. یک فرآیند معکوس، به عبارت دیگر، اگر قرار باشد این چیز را وارونه کنیم و آن را از بالا به پایین بچرخانیم، یک فرآیند معکوس به جای اینکه از متن کتاب مقدس برداشت شود، آن را به متن آن می‌خواند. بگذارید دوباره بگویم.

اگر قرار باشد دایره‌المعارف الهیات را وارونه کنیم و الهیات خدمت را اساس قرار دهیم، کل دایره‌المعارف را خراب خواهیم کرد، زیرا خدمت محصول همه آن چیزهای دیگر است. سرچشمه نیست. نمی‌توانید از بالا به پایین کار کنید.

شما از پایین به بالا کار می‌کنید. هر کدام، بعدی را آگاه می‌کند و همه آنها با هم ادغام می‌شوند تا ما از یکدیگر بهره ببریم. انجام خدمت می‌تواند به فردی که در تفسیر یا الهیات کتاب مقدس یا تاریخی یا سیستماتیک یا فلسفی فعالیت می‌کند، کمک کند تا اهمیت کاری را که انجام می‌دهد، درک کند، زیرا دیگران بیرون می‌روند و آموزه‌های کتاب مقدس را به جهان اعلام می‌کنند.

بنابراین، ما باید ادغام کنیم، نه اینکه دو شاخه شویم. ما باید همه این رشته‌ها را با هم در نظر بگیریم و سعی کنیم آنها را همزمان با کار بر روی موضوعات اصلی در جهان خود به کار گیریم. ممکن است برخی از شما که در حال ممیزی این دوره‌ها هستید، رهبران وزارتخانه در بخش دیگری از جهان، شاید در آسیا، شاید در برخی از کشورهای اسلاو، در آمریکای جنوبی، در کشورهای عربی، در خاورمیانه، در خاورمیانه، در آسیا باشید.

بنابراین، بسیاری از مکان‌هایی که خدمت انجام می‌شود، و شما یک رهبر خدمت هستید، و ممکن است بگویید، احساس می‌کنم خیلی تحت فشار هستم. خوب، این خوب است، زیرا همانطور که ایوب برای بهتر جنگیدن گیج شده بود، تحت فشار بودن شما، جدیت کاری را که انجام می‌دهید به شما نشان می‌دهد. و بنابراین، چگونه با تحت فشار بودن کنار می‌آیید؟ شما به دنبال گرد هم آوردن جامعه‌ای از رهبری هستید که بتواند عمل کند و الهیات خدمت را به مردم شما بیاورد به گونه‌ای که نه تنها برای کلیسای شما تعداد زیادی عضو جمع کند، اگرچه تعداد اعضا خوب است، بلکه به آن پایه و اساسی بدهد که بتواند در طول زمان‌های متغیر، از طریق تغییر فرهنگ، حفظ شود.

بسیاری از کلیساها و فکر می‌کنم شاید ایالات متحده، از برخی جهات در صدر این فهرست قرار دارند و از بسیاری جهات، کلیسای ایالات متحده با چالش گم شدن راه خود مواجه است. این کلیسا به دنبال ترفندهایی است تا بتواند کلام را اعلام کند، نه اینکه انواع پایه‌هایی را که برای اعلام کلام به آنها نیاز داریم ایجاد کند. بنابراین، مطمئناً ما چالش‌هایی داریم و این چالش‌ها شامل همه ما می‌شود، نه فقط تعداد کمی از ما.

خب، ما در این دسته‌ها از پایین به بالا کار می‌کنیم. حالا به جنبه‌ی بعدی الگوی من می‌رسیم، که الگوی نحوه‌ی آموزش کتاب مقدس به ماست. من این سه سطح را آموزش کتاب مقدس می‌نامم، و آنها به ما به روش مستقیم، روش ضمنی و روش ساختار خلاق آموزش می‌دهند.

به صفحه ۱۱ نگاه کنید، نموداری با عنوان «سه سطح از آموزه‌های کتاب مقدس» را خواهید یافت. من بار دیگر از هرم به عنوان تصویری از نحوه عملکرد آن استفاده کرده‌ام. بنابراین، جهت در پایین هرم قرار دارد.

اولین وظیفه ما این است که بفهمیم کتاب مقدس در زمان و مکان خودش، در قراردادهای خودش، واقعاً چه می‌گوید و قرار بوده چه چیزی را به مخاطبان اصلی‌اش منتقل کند. سپس، از این مرحله به بخش‌های بزرگ‌تری از کتاب مقدس می‌رویم. منظور چیست؟ من هر یک از این دسته‌ها را با جزئیات چاپ کرده‌ام و در یک لحظه هر یک از آنها را توضیح خواهم داد.

خیلی خیلی مسائل مهم توی کتاب مقدس هست که مستقیم بیان نشده. بذارید یه جور دیگه بگم. همیشه به کتاب مقدس مراجعه کرد و یه متن اثبات شده پیدا کرد.

متن اثبات یک مفهوم است. در اینجا یک آیه از کتاب مقدس وجود دارد که دقیقاً همان چیزی را که من سعی دارم به شما بگویم، بیان می‌کند. بسیاری از مسائل مهم وجود دارند که هیچ متن اثباتی برای آنها وجود ندارد. با این حال، بسیاری از مسائل مهم توسط کتاب مقدس از طریق گردآوری، ارتباط متن و آموزه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرند.

برای مثال، هیچ آیه‌ای در کتاب مقدس به خودی خود وجود ندارد، و ما در مورد این موضوع در اول قرن‌تین صحبت خواهیم کرد، که مثلاً می‌گوید، شوهران، همسران خود را کتک نزنید. آیه‌ای وجود ندارد که فقط ۷ بگوید، همسران خود را کتک نزنید. خب، فکر می‌کنم اگر فکر کنیم خدا اگر ما را رو در رو برای پاسخ به این سوال قرار دهد، می‌گوید، همسران خود را کتک نزنید، خیلی احمق خواهیم بود.

اما ما یک آیه داریم که در مورد عشق به همسران‌تان صحبت می‌کند. ما یک آیه داریم که در مورد احترام بین دو جنس صحبت می‌کند: مردان به زنان و زنان به مردان. حتی والدین به فرزندان.

کتاب مقدس به ما می‌گوید که فرزندانمان را ناامید نکنیم. دنبال کردن این موضوع جالب است، اینطور نیست؟ برای پاسخ، چطور می‌توانیم فرزندانمان را ناامید نکنیم؟ ممکن است از شما پرسیم چه کسی در حال حسابرسی است؛ اگر مرد هستید، آیا همسران را ناامید می‌کنید؟ یا او را تقویت می‌کنید و به او کمک می‌کنید؟ و می‌توانم همین را به زنان بگویم. آیا شوهرتان را ناامید می‌کنید؟ یا شوهرتان را تقویت می‌کنید و به او کمک می‌کنید؟ بنابراین، یک نکته متقابل وجود دارد که وقتی شروع به بررسی تمام جزئیات کتاب مقدس می‌کنیم، ممکن است متن اثباتی نداشته باشیم که کلمات زیادی داشته باشد که به دنبال آن هستیم، اما مکان‌های زیادی برای کشف حقیقت آن داریم.

مدت زیادی از آخرین باری که بزرگداشت بزرگی برای ویلبرفورس برگزار شد، نمی‌گذرد. شما در دنیای غرب نام ویلبرفورس را می‌شناسید، کسی که در کمک به پایان تجارت برده بسیار مؤثر بود. آن رویداد در انگلستان اتفاق افتاد و این اتفاق بسیار غم‌انگیزی است زیرا برده‌داری متوقف شد، نه به این دلیل که افراد سیاسی که می‌توانستند آن را متوقف کنند، جنبه اخلاقی آن را تشخیص دادند.

به دلایل اقتصادی متوقف شد. آیا این غم‌انگیز نیست؟ اما گروهی بسیار باهوش از مردان توانستند این کار را انجام دهند و جلوی آن را بگیرند، زیرا دیگر چیزی نبود که پولساز باشد. این در تاریخ جهان غرب غم‌انگیز است.

باید به دلایل اخلاقی جلوی آن گرفته می‌شد، اما نشد. متأسفانه، و از برخی جهات، حتی یک آیه هم در کتاب مقدس وجود ندارد که بگوید برده نداشته باشید. در واقع، عهد جدید دائماً در مورد برده بودن برای مسیح صحبت می‌کند و از استعاره استفاده می‌کند زیرا این موضوع بخش بزرگی از فرهنگ آن زمان بوده است.

در قرن اول میلادی، افراد استخدام‌شده در همه جا حضور داشتند. در واقع، در روم داستانی وجود دارد که می‌گوید در برهه‌ای، شخصی در ساختارهای قدرت روم ایده هوشمندانه‌ای داشت که خدمتکاران

استخدام شده را به شیوه‌ای خاص بپوشاند تا همه بدانند آنها چه کسانی هستند. من این داستان را شنیده‌ام، خوانده‌ام و نقل قول‌هایی از آن را دیده‌ام.

راستش را بخواهید، نمی‌توانم تاریخی بودنش را تضمین کنم، اما قطعاً از یک جهت اینجا مثال خوبی است. اما آنها متوجه شدند که وقتی روز بعد بیرون رفتند، فقط برای اینکه آن را به شکل داستان دریاورند، به اطراف نگاه کردند و افراد بیشتری را دیدند که لباس خدمتکاران قراردادی پوشیده بودند تا آزادگان. خب، این ماجرا با یونیفرم‌های مخصوص خدمتکاران در روم به پایان رسید.

آنها نمی‌خواستند اینقدر جلب توجه کنند. برخی از افراد مشهور در تاریخ امپراتوری روم در واقع خدمتکار بودند. آنها متعلق به کسی بودند.

اغلب اوقات نوع برده‌داری یکسان نبود، و گاهی هم بود. برای مثال، گلاادیاتورها نوعی از برده‌داری بودند. ما اخیراً به دلیل کتاب‌های خاص و غیره، کمی با آن آشنا شده‌ایم.

اما برده‌داری آمریکایی نوع کاملاً متفاوتی از برده‌داری وحشتناک بود، با آنچه برخی از رومیان، برخی رهبران و برخی از رهبران آموزشی در سیستم رومی در واقع به کار اجباری گمارده شده بودند. ما آیه‌ای نداریم، اما می‌خواهم به شما بگویم که کتاب مقدس با آنچه در برده‌داری می‌بینیم، کاملاً مخالف است. در واقع، می‌توانیم کتاب فیلیمون را برداریم و چیزی را پیدا کنیم که من آن را یک دلالت بسیار قوی از تعلیم می‌نامم. نه صرفاً یک متن اثباتی، زیرا پولس اونیسیموس را به فیلیمون برمی‌گرداند.

اونیسیموس یک برده فراری بود. اما او از فیلیمون می‌خواهد که تعلیم دهد و با اونیسیموس مانند یک برادر رفتار کند. بنابراین، مفاهیم بسیار قوی در درون فیلیمون وجود دارد، اما دقیقاً یک متن اثبات شده نیست.

و بنابراین، سطوح ضمنی کتاب مقدس جدی هستند، اما به سادگی پیدا کردن یک آیه نیستند. حالا، اجازه دهید خیلی سریع چیزی در مورد متن اثبات بگویم. برای مردم بسیار وسوسه‌انگیز است که از کتاب مقدس استفاده کنند و آیه‌ای پیدا کنند که آنچه را که می‌خواهند بگویند، بیان کند.

شما می‌توانید این کار را انجام دهید. کتاب مقدس کتاب بزرگی است و اگر به اندازه کافی بگردید، مجموعه‌ای از کلمات را پیدا خواهید کرد که آنچه را که می‌خواهید بگویند توجیه می‌کنند. کتاب مقدس آن را توجیه نمی‌کند.

این فقط یک توافق شفاهی است. اما واقعیت این است که شما این چیزها را از متن بیرون می‌کشید. به عنوان مثال، یاد می‌آید که یک عبارت، «از هرگونه ظاهر شیطانی دوری کنید»، روشی بود که شاه جیمز آن متن تسالونیکیان را ترجمه کرد.

و من به عنوان یک مسیحی جوان به یاد دارم که از آن آیه استفاده می‌شد. به سینما نروید. فیلم‌ها شیطانی هستند.

به رستورانی که بار هم هست نروید، چون نوشیدن مشروب کار بدی است. و مردم از آن به عنوان یک اهرم فشار، یک اهرم فشار، برای هدایت مردم به سمتی که خودشان می‌خواستند، استفاده می‌کردند. آنها از آن به عنوان مدرک استفاده می‌کردند.

خب، حتی این آیه هم در موردش نیست. آیه، به معنای واقعی کلمه، به معنای اجتناب از هر نوع شر است. حالا، قبل از اینکه بتوانید دیگران را به سمتی که می‌خواهید هدایت کنید، باید به کتاب مقدس مراجعه کنید و چیزی را به عنوان نوعی شر تعریف کنید.

بنابراین، این آیه به جای اینکه فهمیده شود، مورد استفاده و سوءاستفاده قرار گرفته است. آیات زیادی از این دست وجود دارد، و همه ما در معرض این خطر هستیم که آیات را بگیریم و آنها را به چیزی که می‌خواهیم تبدیل کنیم. من کمی در این مورد مثال دارم.

من از اصطلاحی به نام «هرمنوتیک بطنی» استفاده می‌کنم. هرمنوتیک اصطلاحی است که به تفسیر کتاب مقدس مربوط می‌شود. در واقع، این کلمه حتی در عهد جدید یونانی هم وجود دارد.

وقتی عیسی روی صلیب بود، و آنها آن نوشته را روی سر عیسی گذاشتند که او پادشاه یهودیان است و از این قبیل، از آن کلمه استفاده شد که اینگونه تفسیر شد. آیا من آن مثال را درست فهمیدم؟ بهتر است آن را بررسی کنید. من در این مرحله نوار را متوقف نمی‌کنم و سعی نمی‌کنم این را ویرایش کنم.

اما وقتی به این شیوه‌ی استفاده از تصویری که خودم نوشته‌ام می‌پردازم، گاهی اوقات می‌توانم کمی در مورد آن نظر بدهم. اما می‌دانید چه می‌گویم، که به عنوان تفسیر می‌شود. بنابراین، هرمنوتیک با تفسیر سروکار دارد.

بطن گویی هرمنوتیکی، تصویرش این است. می‌دانید بطن گویی چیست، کسی که یک عروسک مانکن کوچک دارد و دستش را در عروسک فرو کرده و عروسک را وادار می‌کند هر چه می‌خواهد بگوید. بطن گویی هرمنوتیکی زمانی است که مردم کتاب مقدس را می‌گیرند و با آن مثل یک آدمک رفتار می‌کنند و کاری می‌کنند هر چه می‌خواهند بگویند.

در دنیای ما، بطالت‌های هرمنوتیکی زیادی وجود دارد. مطمئناً، می‌توانید به کتاب مقدس مراجعه کنید و کلماتی پیدا کنید و آنچه را که می‌خواهید بگویید، اما سوال این است که آیا این همان چیزی است که کتاب مقدس می‌آموزد، یا شما معنایی را که هرگز وجود نداشته است، به کتاب مقدس وارد کرده‌اید؟ همه ما باید مراقب باشیم. در سطح ضمنی، انجام این کار بسیار آسان است، اما انجام آن در سطح بعدی، که سطح ساختار خلاق در بالاترین سطح است، حتی آسان‌تر است.

سطح ساختار خلاق، ساختاری است که از داده‌ها ایجاد شده و در یک سیستم قرار داده شده تا چیزی را آموزش دهد. برای مثال، پیشاهزاره‌گرایی یک ساختار خلاق در مورد آخرالزمان است. تمام هزاره‌گرایی یک ساختار خلاق در مورد آخرالزمان است.

کالوینیسم یک ساختار خلاقانه است. آرمینیوسی هم یک ساختار خلاقانه است. این به آن معنا نیست که آنها به آیات وابسته نیستند.

بدیهی است که همه آنها ادعا می‌کنند که به بخش‌هایی از کتاب مقدس وابسته هستند، اما هر یک از آنها یک توضیح کلان و بزرگ از کل کتاب مقدس است و سپس بخش‌هایی از کتاب مقدس در آن توضیح کلان قرار می‌گیرند. این دلیل دیگری است و می‌توانید خیلی سریع ببینید که چرا ما این همه تنوع تفسیر را در برخی از زمینه‌های بسیار مهم داریم، زیرا ما به عنوان انسان به کتاب مقدس رسیده‌ایم و ساختارهای خود را ایجاد کرده‌ایم. این اتفاق در یک دوره زمانی طولانی رخ می‌دهد.

این معمولاً از نظر تاریخی در یک جامعه اتفاق می‌افتد، اما در نهایت، کسی کتابچه راهنمای این ساختار خاص را می‌نویسد و سپس همه افراد دیگر با آن موافق می‌شوند. خوب، ما باید این موارد را آزمایش کنیم زیرا هیچ متن اثباتی برای هیچ یک از این دیدگاه‌ها وجود ندارد، اما مجموعه‌ای از متون وجود دارد که به روشی منطقی گردآوری شده‌اند تا سعی کنند درک وسیعی از کتاب مقدس را به طور کلی اثبات کنند. به عنوان مثال، شما چیزی دارید که ما آن را الهیات عهد می‌نامیم که به روش خاصی به کتاب مقدس نگاه می‌کند.

شما الهیات تدبیرگرا دارید که به کتاب مقدس به شیوه‌ای خاص نگاه می‌کند. هر دوی اینها مانند لنزهایی هستند که روی کتاب مقدس قرار می‌گیرند تا آن را با برداشت‌های خاصی مطابقت دهند. حال، مراقب باشید زیرا آنها ادعا خواهند کرد، و حق هم دارند، که کتاب مقدس آنها را به آن برداشت‌ها رسانده است.

همه این را ادعا می‌کنند، مگر نه؟ آیا کسی ادعا نمی‌کند که نگاه کلان او به کتاب مقدس حاصل مطالعه خود کتاب مقدس نیست؟ همه این را ادعا می‌کنند، و با این حال ببینید چقدر تفاوت داریم. وظیفه ما این نیست که دست‌هایمان را بالا ببریم و بگوییم، قرار است چه کار کنم؟ وظیفه ما این است که از این موضوع آگاه باشیم، و به جای اینکه قربانی همه این تنوع شویم، با این تنوع کنار بیاییم، تنوع را طبقه‌بندی کنیم و آن را در کانون توجه قرار دهیم. حال، در این ساختار مستقیم، ضمنی و خلاقانه، می‌خواهم چیز دیگری را ببینید.

در اضلاع هرم من، فلش‌هایی وجود دارد که به سمت بالا می‌روند. در سمت چپ، از هدف آموزشی به تحلیل الهیاتی می‌رویم. این چیست؟ خوب، در پایین هرم، وقتی با یک متن خاص سر و کار دارید، می‌توانید در الهیات تفسیری و کتاب مقدسی، راه درازی را طی کنید تا بفهمید آن متن به چه معناست.

یک معنی در متن وجود دارد. ممکن است در این مورد کامل نباشیم، اما می‌توانیم تا حد زیادی مشخص کنیم که نویسنده چه کاری انجام می‌داده و آن ارتباط درباره چیست. این همان هدف آموزشی است.

نیت نویسنده به روش دیگری بیان می‌شود. حالا، متوجه می‌شوم که کاملاً آگاه هستم و نمی‌توانم وارد بحث در مورد نیت نویسنده شوم. کتاب معروف ونهورز، «آیا معنایی در متن وجود دارد؟»، به این نتیجه می‌رسد که بله، وجود دارد.

این کتاب، کتابی بسیار ساختارمند برای خواندن است. بنابراین، تاریخچه‌ی کاملی از هرمنوتیک در آن وجود دارد. آیا معنایی در متن وجود دارد و چگونه می‌توانیم آن معنا را استخراج کنیم؟ اما من فقط به شما تأکید می‌کنم که بله، وجود دارد. هدف آموزشی همین است.

اما وقتی از هرم به سمت ساختار خلاق بالا می‌روید، به چیزی می‌رسید که به عنوان تحلیل الهیاتی شناخته می‌شود، جایی که افراد ماهر به طور کامل در مطالعه کتاب مقدس و شاید در مطالعه سنت خودشان آموزش دیده‌اند تا کتاب مقدس و معنا را آنطور که به عنوان یک سنت به آن رسیده‌اند، گرد هم آورند و این تحلیل‌های الهیاتی از تفاسیر مختلف، ساختارهای کلان مختلف در مورد چگونگی پرداختن به کتاب مقدس و خدمت مسیحی را در کانون توجه تأملی قرار دهند. بنابراین، این در سمت چپ است. بنابراین همانطور که از هرم بالا می‌رویم، تفسیر بیشتری انجام می‌دهیم.

هرچه پایین‌تر می‌رویم، به آنچه در ابتدا گفته شده نزدیک‌تر می‌شویم. اما بار دیگر، هرم دوشاخه نیست؛ یکپارچه است تا بتوانیم خطوط استدلال را از پایین به بالا ببینیم و بتوانیم آن خطوط استدلال را آزمایش کنیم و بگوییم، اینها قوی هستند. اینها خیلی قوی نیستند. اینها قانع‌کننده هستند، اما خیلی قانع‌کننده نیستند.

با این حال، در نهایت می‌توانم تضمین کنم که آنها با ساختار خلاقانه مطابقت خواهند داشت، زیرا این کاری است که افراد ماهر هنگام نوشتن الهیات انجام می‌دهند. در سمت راست هرم، چیزی داریم که به عنوان طبقه‌بندی شناخته می‌شود. طبقه‌بندی یک اصطلاح آموزشی است و به سطوح درک، از ساده تا پیچیده، مربوط می‌شود.

و بنابراین، در پایین نمودار، ما آن را یک طبقه‌بندی سطح پایین می‌نامیم. این بدان معنا نیست که طبقه‌بندی به طبقه‌بندی است brute-force آسانی است. این بدان معناست که این یک رویکرد

می‌توانید منظور یوحنا ۳ را از این که می‌گوید انسان جز با تولد دوباره نمی‌تواند پادشاهی خدا را ببیند مطالعه کنید. در این صورت با دیدگاه‌های متنوعی در مورد چگونگی باز کردن این جمله و معنای آن در تاریخ نجات آشنا خواهید شد. می‌توانید به آنجا بروید و آن را پیدا کنید و ایده‌های خوبی ارائه دهید

حقایق خام و غیرقابل انکاری دارد که می‌توانید آنها را جستجو کنید. این در پایین‌ترین سطح طبقه‌بندی قرار دارد. هرچه به سمت بالای هرم حرکت می‌کنید، طبقه‌بندی بالاتری خواهید داشت، به این معنی که فرضیات ثانویه بسیار بیشتری خواهید داشت.

این به این معنی است چون فکر می‌کنم اینجا به این معنی است و چون به این نتیجه رسیده‌ام که اینجا به این معنی است، پس باید اینجا هم به این معنی باشد. این ارتباطی از فرضیات است. و البته، همانطور که به خوبی می‌دانیم، فرضیات همیشه باید آزمایش شوند.

به همین دلیل است که چیزهایی که در بالای هرم ما قرار دارند، این سیستم‌های کلان و ساختارهای خلاقانه‌ای که تاریخ الهیات ایجاد کرده است، باید آزمایش شوند. آنها متون مقدس نیستند. آنها مرجع نیستند.

آنها محصول متون مقدس هستند، و بنابراین، ما باید آنها را از طریق دایره المعارف الهیات بررسی کنیم. ما باید آنها را از طریق هرم ساختارهای مستقیم، ضمنی و خلاقانه بررسی کنیم تا بتوانیم قضاوت محکمی در مورد ماهیت قانع کننده یا عدم ماهیت قانع کننده استدلال‌های مختلف در مورد تفسیر متون مقدس داشته باشیم. حال، می‌دانم که این موضوع در سخنرانی که شما در بخش دیگری از جهان هستید و من اینجا هستم و یک ارائه ترکیبی ارائه می‌دهم، چیزهای زیادی برای بررسی دارد.

ما نمی‌توانیم به اصطلاح یک ترم وقت بگذاریم، و باید بلوک‌هایی را بسازیم که به شما در درک این موضوع کمک کند. من فکر می‌کنم شما می‌توانید نکات اساسی مطرح شده را درک کنید. گمان می‌کنم درک همین نکات است که چالش برانگیز خواهد بود.

چگونه آن را ادغام می‌کنید؟ چگونه آن را در زمینه الهیات و خدمت خود به کار می‌برید؟ خب، این کار زمان می‌برد، اما به یک شروع نیاز دارد، و شروع آن اکنون است، جایی که شما جزوه من را می‌خوانید و در مورد این موارد فکر می‌کنید. اکنون، من این سخنرانی‌های ویدیویی را حداقل در یک بازه زمانی مشخص نگه می‌دارم تا مجبور نباشید مدت زمان مسخره‌ای را در یک محیط در این ویدیوها بنشینید. این بدان معناست که من جزوه‌های خاصی را قطع می‌کنم و به آنها برمی‌گردم، و این کاری است که الان می‌خواهم انجام دهم.

ما در سخنرانی ویدیویی شماره سه هستیم و به این موضوع پرداخته‌ایم که کتاب مقدس چگونه به ما می‌آموزد. ما پایه و اساسی را بنا نهاده‌ایم. من با ویدیوی شماره چهار برمی‌گردم و این گفتگو را ادامه خواهیم داد و موضوع اعتبارسنجی را به آن اضافه خواهیم کرد، که جزوه بعدی، بسته بعدی یادداشت‌هایی است که می‌توانید از سایت دریافت کنید.

من سعی خواهم کرد که نحوه‌ی تعلیم کتاب مقدس و نحوه‌ی تحقیق شما در مورد کتاب مقدس را کنار هم قرار دهم تا شما را در تصویر کلی از معنای واقعی اینکه اجازه دهید کتاب مقدس راهنمای شما باشد، اینکه با کتاب مقدس به عنوان یک ابزار و وسیله‌ی نمایشی و تفسیری رفتار نکنید، بلکه کتاب مقدس را جدی بگیرید و اجازه دهید کتاب مقدس شما را هدایت کند، نه اینکه شما کتاب مقدس را هدایت کنید، پیش ببرم. دفعه‌ی بعد شما را خواهم دید.

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تین است. این سخنرانی سوم است، چگونه کتاب مقدس به ما می‌آموزد. سه سطح از آموزش کتاب مقدس، بخش ۱